

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، بهار ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۳۳-۱۵۸

تأثیر سیاست‌های سلسله دوگرا (۱۹۴۷-۱۸۴۶) بر وضع اجتماعی شیعیان کشمیر

محمد رضا زارع خورمیزی^۱
سید ظفر مهدی موسوی کشمیری^۲
محمد مهدی زارع خورمیزی^۳

چکیده

در پی فروش منطقه کشمیر توسط انگلیسی‌ها به راجپوت‌های هندو مذهب در سال ۱۸۴۶، حاکمیت سلسله دوگرا (۱۸۴۶-۱۹۴۷) بر جمعیت مسلمان کشمیر شکل گرفت و شرایط دشواری برای مسلمانان به وجود آمد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین اوضاع اجتماعی شیعیان کشمیر در آن دوره تاریخی است و سؤال اصلی تحقیق این است که وضعیت و شرایط اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره حکومت دوگراهای هندو مذهب چگونه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع تاریخی از جمله اسناد معاصر، سوابق کمپانی هند شرقی بریتانیا، گزارش‌های دربار نایب‌السلطنه انگلیس، مقامات دولتی و سفرنامه‌های سیاحان خارجی معلوم شد که شیعیان کشمیر به‌عنوان اقلیتی مذهبی، با تبعیض‌های اجتماعی گسترده و نظام‌مند از سوی حاکمان دوگرا مواجه بودند. با وجود فشارها و سرکوب‌های دولتی، آنان با تلاش‌های مستمر به حفظ و احیای فرهنگ و آیین‌های مذهبی خود پرداختند و در برابر تحولات تفرقه‌افکنانه میان شیعه و سنی مقاومت کردند. شیعیان علاوه بر حفظ هویت متمایز خود، به همکاری عملی با اهل سنت دست یافتند و با مشارکت فعال در نهضت آزادی کشمیر، در تضعیف حاکمیت دوگراها در آستانه استقلال هند نقش بسزایی داشتند.

کلیدواژه‌ها: کشمیر، سلسله دوگرا، شیعیان کشمیر، استقلال هند.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). khormizi@abu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اهل بیت (ع)، تهران، ایران. armaan.journo@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

mohammadmahdzare1997@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۳/۲۵

The Impact of Dogra Dynasty Policies (1846–1947) on the Social Status of the shī'a Community in Kashmir

Mohammad Reza Zare Khormizi¹

Seyed Zafar Mehdi Mousavi Kashmiri²

Mohammad Mahdi Zare Khormizi³

Abstract

Following the sale of the Kashmir region by the British to the Hindu Rajput rulers in 1846, the Dogra dynasty (1846–1947) established its rule over the Muslim population of Kashmir, creating difficult conditions for them. The primary aim of this research is to explain the social conditions of the Shia community in Kashmir during this historical period. The main research question is: What were the social circumstances of the Shia Muslims in Kashmir under the rule of the Hindu Dogra dynasty? In answer to this question, using a descriptive-analytical approach and relying on historical sources such as contemporary documents, records of the British East India Company, reports from the British Viceroy's court, government officials, and foreign travelers' accounts, it becomes evident that the Shia, as a religious minority, faced widespread and systematic social discrimination by the Dogra rulers. Despite governmental oppression and repression, the shī'a community made continuous efforts to preserve and revive their religious culture and rituals, resisting divisive efforts aimed at creating discord between shī'a and Sunni Muslims. In addition to preserving their distinct identity, the shī'a community practically achieved unity with the Sunnis and played an active role in the Kashmir liberation movement, significantly contributing to the weakening of the Dogra rule on the eve of India's independence.

Keywords: Kashmir, Dogra Dynasty, Kashmiri shī'a, Indian Independence.

1. Assistant Professor, Department of Islamic History, AhlulBayt International University, Tehran, Iran (Corresponding Author). khormizi@abu.ac.ir

2. M.A. in Islamic History, AhlulBayt University, Tehran, Iran. armaan.journo@gmail.com

3. M.A. student in Entrepreneurship Management, University of Tehran, Tehran, Iran. mohammadmahdizare1997@gmail.com

درآمد

کشمیر^۱ بیش از ۵۰۰۰ سال سابقه تاریخی دارد. موقعیت جغرافیایی، استعداد اقتصادی و فرهنگ غنی اسلام و تشیع جایگاهی منحصر به فرد به کشمیر بخشیده است. در دوره معاصر قبل از استقلال هند، خاندان هندو مذهب دوگرا^۲ بین سال‌های ۱۸۴۶ تا ۱۹۴۷ در کشمیر حکومت کردند؛ دوره‌ای که به لحاظ فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر فراوانی بر شرایط اجتماعی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان کشمیر داشت. وضعیت نامناسب فعلی کشمیر تا حد زیادی از آن دوره تأثیر گرفته است. تاکنون پژوهش‌های جامعی درباره وضع اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره حکومت دوگرا انجام نشده و تحقیقات موجود بیشتر وضع ساکنان کشمیر را به صورت کلی بررسی کرده و به شیعیان به‌طور خاص اشاره نکرده‌اند. بر همین اساس، موضوع این پژوهش به بررسی اوضاع اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره حاکمیت دوگراها (۱۸۴۶ - ۱۹۴۷) اختصاص دارد. محدوده مکانی پژوهش منطقه کشمیر و محدوده زمانی پژوهش از سال ۱۸۴۶، یعنی سال واگذاری کشمیر از طرف انگلیسی‌ها، تا سال ۱۹۴۷، یعنی پایان حکومت دوگراها، استقلال هند و تقسیم کشمیر به دو محدوده بین هند و پاکستان است. در چگونگی روی کار آمدن دوگراها در کشمیر به‌طور خلاصه می‌توان گفت در سال‌های قبل از ۱۸۴۶ سیاست استعماری بریتانیا آنها را به هند شمالی و سرانجام به کشمیر کشاند. آنها می‌خواستند بر استان مهم پنجاب که توسط سیک‌ها اداره می‌شد نیز تسلط داشته باشند که در نهایت منجر به جنگ انگلو-سیک^۳ شد (Smith, 1/110). مهاراجه گلاب سینگ^۴، از خاندان هندو مذهب دوگرا، یکی از اعضای تأثیرگذار دربار سیک‌ها در لاهور بود. انگلیسی‌ها موفق شدند او را به سمت خود بکشانند و باعث شکاف داخلی در اردوگاه سیک‌ها و شکست آنها شوند. با این حيله انگلیسی‌ها موفق شدند

1. Kashmir.
2. Dogra Hindu Dynasty.
3. Anglo-Sikh War.
4. Maharaja Gulab Singh.

مهار کامل پنجاب را به دست بگیرند و سیک‌ها را وادار به امضای پیمان لاهور^۱ کنند. بر اساس آن پیمان علاوه بر پنجاب، جمو^۲ و کشمیر و لداخ^۳ نیز به تصرف بریتانیا درآمد (ibid). یک هفته بعد، انگلیسی‌ها معاهده دیگری به نام پیمان امرتسر^۴ با گلاب سینگ منعقد کردند که بر اساس آن حکومت کشمیر به گلاب سینگ سپرده شد. به این ترتیب سلسله حکومت دوگراها در کشمیر آغاز شد (Markovits, 2/289). پیش از پیمان امرتسر، استان کشمیر تحت فرمانروایی یک سوبیدار^۵ بود که توسط حاکمان سیک در لاهور تعیین می‌شد. استان‌های جمو و لداخ هم زیر نظر خانواده دوگرا به سرپرستی گلاب سینگ بود. او نماینده مستقیم دربار سیک‌ها در لاهور بود. با پیمان امرتسر، سه منطقه کشمیر، جمو و لداخ که از نظر سیاسی و فرهنگی و جغرافیایی متفاوت بودند برای اولین بار باهم ادغام شدند و یک نهاد بزرگ سیاسی را تشکیل دادند. مطابق معاهده امرتسر، کمپانی هند شرقی در ازای واگذاری کشمیر مبلغ هفت و نیم میلیون روپیه نانک شاهی از گلاب سینگ دریافت کرد (Rai, 27). به تعبیر دیگر در معامله انگلیسی‌ها ارزش هر کشمیری دوازده روپیه بود که توسط مقامات بریتانیا به گلاب سینگ فروخته شدند (بدگامی، ۱۳۹۷). این معاهده که در راستای منافع استعماری دولت بریتانیا طراحی شده بود، حفظ امنیت و اقدامات اداری و سیاسی منطقه جمو و کشمیر را به خاندان هندو مذهب دوگرا واگذار کرد. انگلیسی‌ها نمی‌خواستند مسلمانان در اطراف منطقه ایندوس حکومت داشته باشند. علاوه بر این، سیاست استعماری بریتانیا بر این بود که مناطق کشمیر با قلمروهای مجاور خود محدوده جدیدی را شکل دهد؛ لذا تعیین محدوده جغرافیایی حاکمیت دوگراها نیز ابتکار شخص گلاب سینگ نبود. انگلیسی‌ها در این برنامه تنها به فکر این بودند که اشخاصی را در منطقه کشمیر بگمارند که اولاً به بریتانیا وفادار باشند، ولو هویت این اشخاص با هویت مردم کشمیر

-
1. Treaty of Lahore.
 2. Jammu.
 3. Ladakh.
 4. Treaty of Amritsar.
 5. Subedar.

متفاوت باشد؛ ثانیاً منافع مالی بریتانیا را تأمین کنند و به انگلیسی‌ها بیشتر پول بدهند. بعد از پیمان امرتسر، اوضاع کشمیر بدتر شد، چرا که اقلیتی از هندوها (دوگرا) مهار کامل کشمیر را به دست گرفتند و تمام مناصب سیاسی این ایالت را به رفقا و هندوهای هم‌تیره خود واگذار کردند. آنها قوانین سخت‌گیرانه‌ای را علیه ساکنان اصلی کشمیر یعنی مسلمانان ابداع و اجرا کردند که با رفتارهای خصمانه و ناعادلانه همراه بود. بعد از واگذاری کشمیر به دوگراها، مسلمانان به‌طور کامل از مناصب کنار گذاشته شدند. مردم مسلمان کشمیر برای رهایی از ظلم و اسارت، چاره‌ای جز قیام علیه حکومت دوگراها نداشتند. با این همه دوگراها با حمایت مستقیم انگلیس موفق شدند به مدت یک قرن بر کشمیر حکومت کنند و در نهایت در زمان استقلال هند و پاکستان برخلاف نظر مردم مسلمان کشمیر که خواستار استقلال یا پیوستن به پاکستان بودند، آخرین حاکم دوگرا، ارتش هند را به کشمیر دعوت کرد و زمینه‌ساز تنش دیرین بین هند و پاکستان شد (همان).

پژوهش حاضر در صدد است تا تأثیر سیاست‌های حاکمان سلسله دوگرا (۱۸۴۶-۱۹۴۷) را بر وضع اجتماعی شیعیان کشمیر بررسی کند.

حاکمان دوگرا از سال ۱۸۴۶-۱۹۴۷

ردیف	نام	شروع و پایان حکومت	مدت حکومت	توضیحات
۱	گلاب سینگ Gulab Singh	۱۸۴۶-۱۸۵۶	۱۰ سال	با پیمان امرتسر توسط انگلیسی‌ها به قدرت رسید.
۲	رانبیر سینگ Ranbir Singh	۱۸۵۶-۱۸۸۵	۲۹ سال	در سال‌های پایانی حکومت وی ظلم و ستم به اوج رسید.
۳	پرتاب سینگ Pratap Singh	۱۸۸۵-۱۹۲۵	۳۵ سال	در زمان وی انگلیسی‌ها برای مدتی برادرش، امرسینگ (Amar Singh) را به

حکومت نشاندهند اما زمامدار واقعی سر والتر لارنس بود.				
در دوره او سلطنت لغو شد.	۲۷ سال	1925-1952	هاری سینگ Hari Singh	۴
تنها عنوان سلطنت داشت.	۹ سال	1952-1961	کاران سینگ Karan Singh	۵

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های تاریخی درباره کشمیر بیشتر به دوره سلاطین شاه میر^۱، دوره امرای چک^۲ و دوره گورکانیان (مغول)^۳ اختصاص دارد و دوره دوگرا کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. برخی متون تاریخی معتبر مانند تاریخ حسن نوشته کایه‌امی (۲۰۰۳)، کشمیر را از گذشته تا زمان حکومت دوگرا در بر گرفته است. همچنین پروژه‌های تحقیقی که در زمینه حکومت دوگرا در کشمیر انجام شده، وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مسلمانان کشمیر را به صورت عام بیان کرده و کمتر پژوهش مستقلی در مورد وضع شیعیان به طور خاص انجام شده است. با این حال، اطلاعات فراوانی در قالب تواریخ آن دوره در دست است. از آثاری که درباره دوره دوگرا نوشته شده می‌توان به کتاب دره کشمیر از لارنس^۴ (1895)، داخل کشمیر از بزاز^۵ (1941) و کاشیر: یک تاریخ کشمیر بودن از صوفی^۶ (۱۹۴۸) اشاره کرد. رام^۷ نیز اثری درباره بنیان‌گذار سلسله دوگرا، گلاب سینگ تدوین کرده و از اولین وزیر ارشد کشمیر به نام شیخ محمد عبدالله (۱۹۸۶) نیز کتاب آتش چنار به جا مانده است. همچنین از مسافران و گردشگران خارجی که در زمان حکومت دوگرا به کشمیر آمدند، سفرنامه‌هایی باقی

1. Shah Mir Dynasty.
2. Chak Dynasty.
3. Mughal Empire.
4. *The Valley of Kashmir* from Lawrence.
5. *Inside Kashmir* from Bazaz.
6. *Kashir: Being a History of Kashmir* from Sufi.
7. *Gulabnama* from Ram.



مانده است، مانند اثر تورپ^۱ (۱۸۶۸) با عنوان *بد حکومت های کشمیر*؛ سفرنامه لرد (۱۹۳۶) با نام *دو ملت و کشمیر*^۲؛ اثر نایت (۱۸۹۶) با عنوان: *محل ملاقات سه امپراطوری*^۳ و اثر کوربل (۱۹۵۴) با نام: *خطر در کشمیر*^۴ نیز منابع ارزشمندی برای پژوهش حاضر به‌شمار می‌روند. بعد از سقوط حکومت دوگرا، آثاری توسط نویسندگان و محققان داخلی و خارجی تألیف شد، مانند کتابی از الستر لمب (۱۹۹۱) با عنوان *کشمیر: میراث مورد مناقشه*^۵، اثری از رای (۲۰۰۴) با نام *حاکمان هندو، اتباع مسلمان*^۶، اثری از خان (۱۹۹۰) با عنوان *تاریخ سرینگر*^۷، کتاب حسنین (۱۹۸۸) با نام *مبارزه آزادی در کشمیر*^۸، کتابی از اسکوفیلد (۲۰۲۱) با عنوان *کشمیر در درگیری*^۹ و نهایتاً کتاب بامزای (۱۹۹۴) با عنوان *تاریخ سیاسی و فرهنگی کشمیر*^{۱۰} که هر کدام بخشی از تاریخ معاصر کشمیر را بیان می‌کنند. همچنین چندین کتاب تاریخ کشمیر توسط نویسندگان شیعه نوشته شده، مانند *تاریخ شیعیان کشمیر از همدانی* (۱۹۸۷)، *شیعیان کشمیر از متو* (۱۳۹۱)، *دانشنامه شیعیان کشمیر از حسینی کشمیری* (۲۰۱۱) و نهایتاً کتاب *ارزشمند حسین* (۲۰۱۷) با نام *تاریخ شیعیان جامو و کشمیر*^{۱۱}. این آثار هر کدام در جای خود منابع ارزشمندی برای شناخت تاریخ شیعیان در کشمیر به‌شمار می‌روند، اما هیچ‌کدام به‌طور تخصصی به اوضاع اجتماعی شیعیان در زمان دولت دوگراها نپرداخته‌اند؛ لذا اثر حاضر می‌تواند تا حدی این خلأ پژوهشی را جبران کند.

-
1. Thorpe.
 2. *Two Nations and Kashmir from Lord.*
 3. *Where Three Empires Mee* from Knight.
 4. *Danger in Kashmir* from Korbel.
 5. *Kashmir: A Disputed Legacy* from Lamb.
 6. *Hindu Rulers, Muslim Subjects* from Rai.
 7. *History of Srinagar* from Khan.
 8. *Freedom Struggle in Kashmir* from Hassnain.
 9. *Kashmir in Conflict* from Scofield.
 10. *Culture and political history of Kashmi* from Bamzai.
 11. *The Shi'as of Jammu & Kashmir* from Hussain.

تأثیر سیاست های سلسله دوگرا در ساختار اجتماعی کشمیر

۱. تغییرات جمعیتی

مسلمانان از زمان سلاطین شاه میر در ایالت جمو و کشمیر در اکثریت بودند و درصد جمعیت شیعیان نیز بالا بود. پس از فروپاشی حکومت چک و حمله گورکانیان و افغان‌ها، که به شیعیان ستم زیادی روا داشتند، جمعیت شیعه به تدریج کاهش یافت. با این همه قبل از روی کار آمدن دوگراها این تغییرات جمعیتی فاحش نبود. با ورود انگلیسی‌ها و مسلط کردن دوگراها بر کشمیر توسط بریتانیا در سال ۱۲۶۳/نوامبر ۱۸۴۶، به تدریج تغییرات جمعیتی محسوسی به ضرر مسلمانان اعم از شیعه و سنی اتفاق افتاد (Snedden, 110).

برخلاف ادعای برخی مورخان هندو، مقارن روی کار آمدن دوگراها، مسلمانان نه تنها در کشمیر بلکه در منطقه جمو نیز اکثریت مطلق بودند. فقط چند ناحیه در جمو، یعنی به طور خاص شهر جمو^۱، ادهمپور^۲ و کتهوا^۳ اکثریت هندو بودند. آن زمان جمو و کشمیر یک ایالت بزرگ با اکثریت ۷۷ درصدی جمعیت مسلمان بود (Lawrence, 15)؛ و شیعیان حدود ۱۵ درصد از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دادند. در اولین سرشماری رسمی در سال ۱۸۹۱ جمعیت کشمیر ۲,۰۵۴۳,۹۹۲ نفر بود (Kaul, 123). در سرشماری سال ۱۹۰۱، این میزان با ۱۴ درصد افزایش به ۲,۰۹۰,۵۰۷,۵۷۸ نفر رسید (Saraf, 15). در زمان سال ۱۹۱۱، جمعیت ایالت به ۳,۱۶۱,۳۲۴ نفر رسید که از این تعداد ۲,۳۹۹,۲۲۸ نفر مسلمان و ۶۹۱,۷۲۲ نفر هندو بودند. جمعیت منطقه جمو نیز ۱,۹۸۱,۴۳۳ نفر بود که از این تعداد ۱,۲۱۵,۶۷۶ نفر مسلمان بودند (ibid, 49).

در سرشماری دولت در سال ۱۸۹۱، تعداد جمعیت شیعه و سنی به طور جداگانه ذکر نشده بود. همچنین در سال ۱۹۴۱، هنگامی که حکومت دوگرا به تدریج در جمو و

1. Jammu.
2. Udhampur.
3. Kathua.

کشمیر در حال زوال بود، جمعیت کل ایالت ۴۰۲۳،۱۸۰ نفر بود که از این تعداد مسلمانان ۳،۱۰۲،۷۰۰ و غیرمسلمانان ۹۲۰،۴۸۰ نفر بودند. در این میان اهل سنت حدود ۸۵ درصد جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دادند و جمعیت شیعیان ۱۵ درصد بود. آنچه به طرز معناداری اتفاق افتاد، تغییر در نسبت جمعیت مسلمانان در جمو بود. تغییر آمار جمعیتی جمو نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان این منطقه، از جمله شیعیان، توسط حکومت دوگرا و سپس حکومت هند ظالمانه شکنجه و نسل‌کشی شدند و این اقدامات منجر به کاهش جمعیت آنها شد (Noorani, 32). بر اساس سرشماری سال ۱۹۴۱، استان جمو که شامل مناطق آزاد کشمیر امروزی نیز می‌شد، ۱،۲۱۲،۴۰۵ نفر (۶۱،۱۹٪) مسلمان و ۷۳۶،۸۶۲ نفر (۳۷،۱۹٪) هندو داشت. در استان جمو مناطقی با اکثریت مسلمان وجود داشت که در سرشماری بعدی در سال ۱۹۶۱، وضعیت خیلی تغییر کرده بود. در استان جمو، حدود ۱۲۳ روستا کاملاً خالی از سکنه شده بود (Dabla, 76). کاهش تعداد مسلمانان فقط در منطقه جمو بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر بود. برخی گزارش‌ها تعداد مسلمانان قتل‌عام شده را ۲۰۰،۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند (Kamili, 42). استیونس این رقم را ۵۰۰،۰۰۰ نفر و کریستوفر اسندن آن را ۶۰۰،۰۰۰ نفر گزارش کرده است (Snedden, 122). در نتیجه این نسل‌کشی میزان ۶۱ درصد جمعیت مسلمان بخش جمو در سال‌های پایانی حکومت دوگرا به ۳۸ درصد کاهش یافت. شیعیان به اندازه سنی‌ها رنج کشیدند؛ زیرا نیروهای حکومت به دنبال نسل‌کشی مسلمانان اعم از شیعه و سنی بودند. بسیاری از شیعیان، که بیشتر سادات بودند و در مناطق جمو و پونچه زندگی می‌کردند، کشته شدند و برخی آواره و متواری شدند (Sufi, 284). شیعیان به دلیل ظلم و استبدادی که قبلاً در زمان حکومت مغولان و افغان‌ها متحمل شده بودند، خود را در مناطق کوچک دره کشمیر و جمو نظیر مظفرآباد محدود کرده بودند. در کشمیر، مناطق شیعه شامل شهرستان بدگام، زدبیل و سرینگر می‌شد. بدگام محل استقرار خانواده صفوی-موسوی بود و خانواده انصاری در زدبیل ساکن بودند. هر دو خانواده قبل و بعد از حکومت دوگرا در جامعه شیعیان کشمیر تأثیر گسترده داشتند. بسیاری از شیعیان ساکن بدگام و زدبیل آن دو خانواده را

رهبران معنوی خود می‌دانستند (Lawrence, 284).

میر شمس‌الدین اراکی برای گسترش تشیع خانقاهی در زدیبل تأسیس کرده بود و به همین سبب آنجا مرکز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شیعه از دوره چک تا دوره دوگرا بود. البته در جمو هیچ منطقه‌ای خاص سکونت شیعیان نبود و آنها در کنار سنی‌ها زندگی می‌کردند (Roy, 124). گلگت منطقه‌ای با اکثریت شیعه بود. حاکمان دوگرا آن منطقه را نیز طبق معاهده امرتسر از بریتانیا خریداری کرده بودند، ولی به سبب نفوذ روس‌ها نتوانسته بودند در آنجا پایگاهی داشته باشند (Lamb, 50). در لداخ، مردم بلتی زبان کرگل همگی شیعه بودند و شاید این تنها منطقه با اکثریت شیعه در این ایالت بود (Dar, 36).

۲. جابجایی جمعیتی

در حکومت‌های قبل از دوگرا، مناطقی مانند مدین صاحب، زدیبل و حسن‌آباد در سرینگر، زیناگیر در سوپور و احمدپورا در بارهملا به مناطق برجسته شیعه تبدیل شده بودند. با گذشت زمان، مجموعه‌های بیشتری از شیعه به کشمیر آمدند. دلایل مختلفی برای ورود این جمعیت‌ها به کشمیر وجود داشت. برخی از خانواده‌های شیعه توسط دوگراها به عنوان اسیر آورده شده، در حالی که برخی برای کار آمده بودند. برخی از این شیعیان فقط برای مدت کوتاه و بسیاری به‌طور دائم مستقر شدند (Hakim, 89) و به تدریج آن مناطق شیعه‌نشین شد. برخی از خانواده‌های شیعه که در دوره دوگرا در کشمیر جابجا شدند به شرح زیر است:

۲.۱. بوتاراجاها

یکی از تیره‌های برجسته شیعه امامیه ساکن کشمیر خاندان بوتاراجا ساکن سرینگر است. این خانواده در اصل متعلق به منطقه نگر در گلگت (امروزه در پاکستان) بودند. جد آنها در کشمیر، عزار خان، رئیس قبیله نگر به‌شمار می‌رفت. نگر منطقه کوچکی در نزدیکی دره گلگت بود. عزار خان توسط دوگراها اسیر شد و به همراه قبیله خود به سرینگر منتقل و در قلعه هری پربت در سرینگر زندانی شد. او در زمان حکومت هاری

سینگ، آخرین حاکم سلسله حکومت دوگرا آزاد شد و عزار خان تصمیم گرفت در همان منطقه بماند. بدین ترتیب فرزندان او نیز در کشمیر ماندند و به‌عنوان بوتاراجا شناخته شدند. آنها با لهجه نگری در میان خود صحبت می‌کردند، و زبان‌های اردو و کشمیری هم بلد بودند. آنها در نوشتار از حروف فارسی و عربی استفاده می‌کردند (Khan, *The History of Jammu*, 2/635).

۲.۲. مقیون راجاها

مقیون راجاها یک سلسله معروف از حاکمان شیعه در بلتستان بودند. زمانی که آخرین پادشاه سلسله شکر گیالفو درگذشت، تنها یک دختر به نام شاکاری از او به‌جا ماند. چهار وزیر تأثیرگذار برای ازدواج با او با یکدیگر نزاع کردند. در آن زمان (حدود ۱۲۲۰-۱۱۹۰) غریبه‌ای به نام ابراهیم از کشمیر وارد سکردو شد. این مرد شهرت خوبی داشت و سرانجام با دختر پادشاه ازدواج کرد و خود هم پادشاه شد. او را مقیون یا رئیس ملت نامیدند (Hakim, 161). پس از ابراهیم، بسیاری از اعضای خانواده وی در این منطقه حکومت کردند که برجسته‌ترین آنها علی شیرخان بود. فرزند شیرخان، احمد شاه، که در سال ۱۸۰۰ جانشین وی شد، یک حاکم قدرتمند بود. در سال ۱۸۳۴ حاکم این سلسله راجا احمد شاه بود که تا سال ۱۸۴۰ حاکم سکردو به‌شمار می‌رفت. در آن سال حاکم دوگرا، گلاب سینگ، فرمانده نظامی خود، زوراور سینگ را مأمور لشکرکشی به گلگت کرد تا آن منطقه را به تسلط حکومت دوگرا درآورد (ibid, 167). پس از مدتی مقاومت، سرانجام ارتش بزرگ دوگرا احمد شاه را مجبور به تسلیم کرد. بدین ترتیب حکومت خاندان مقیون راجاهای شیعه در بلتستان به پایان رسید. دوگراها بعد از مصادره ثروت عظیم این خاندان، احمد شاه را به همراه اعضای خانواده خود به جمو تبعید کردند و سپس آنها را از جمو به کشتوار فرستادند و احمد شاه در همان‌جا درگذشت. پس از مرگ وی، دیگر اعضای خانواده توسط مقامات دوگرا به کشمیر آورده شدند. مکانی که آنها در زدیبل اقامت کردند، معروف به بوت‌ا چهاونی شد. آنها در زدیبل با مردم محلی ارتباط برقرار کردند. بیشتر مردم آنجا شیعه

بودند از این رو حاکم دوگرا برای قطع این ارتباطات، خاندان احمد شاه را به منطقه گگریل در تپه زبرون منتقل کرد و پس از مدتی به منطقه ترال منتقل شدند و همچنان در آنجا سکونت دارند. آنها از نظر مذهب شیعه و از لحاظ طایفه‌ای بلتی هستند. آنها زبان بلتی و میراث فرهنگی و روش منحصر به فرد خود را به‌ویژه در بزرگداشت محرم الحرام حفظ کردند. برخی از اعضای قبیله از مرثیه‌سرایان بزرگ هستند و نوحه‌هایی با ظرافت‌های ادبی بسیار چشمگیر در مورد واقعه کربلا سروده‌اند (Hakim, 169).

۲.۳. سایر خانواده‌های شیعه

در دوره حکومت دوگرا، به نقل از حکیم امتیاز حسین، شیعیان بسیاری در ادارات دولتی و نظامی کار می‌کردند. بیشتر اینها از مظفرآباد، گری حبیب‌الله، ابت‌آباد، پونچه، میرپور، بدیال جمو، سامبا، راجوری، رنیر سینگ پورا، ادهمپور، گلگت، آستور، سکردو، کرگل، لداخ و غیره جابجا شده بودند. لذا بیشتر آنها شیعیان غیربومی بودند و از فرهنگ و سنن خود پیروی می‌کردند و مشکلات و چالش‌های آنها با کشمیری‌های محلی متفاوت بود. به همین رو آنها تصمیم گرفتند در سال ۱۸۸۶ اتحادیه‌ای تشکیل دهند تا بر این مشکلات غلبه کنند. آنها درصدد پرداختن به موضوعاتی مانند بزرگداشت محرم، قبرستان جداگانه و سایر موضوعات مرتبط بودند. مهم‌ترین افراد این اتحادیه ژنرال سید غلام علی شاه، سیدار سید کرامت علی شاه، سرلشکر سید ظهور حسین شاه، کاپیتان سید غضنفر علی شاه، سید ظهور حسین شاه (اداره آذوقه‌ها)، سید ظهور حسین شاه (مدرس دانشکده شری پرتاب، سرینگر)، استاد لعل خان و سپهبد سید فقیر علی شاه بودند. آنها در سال ۱۹۲۵/۱۳۴۴ سازمانی به نام «انجمن امامیه» تشکیل دادند. پیش از مرگ یا نقل مکان مقامات اصلی بنیان‌گذار به خارج از کشمیر، این انجمن حدود ۱۰ سال عملکرد خوبی داشت. آنها در سال ۱۹۴۰ مجدداً جمع شدند تا انجمن دیگری به نام «انجمن حسینی» تشکیل دهند. یکی از اعضای سازمان، فدا حسین، دانشمند، مورخ و نویسنده مشهور بود (Hakim, 61-62).

۳. تحولات جمعیتی در مناطق شیعه‌نشین

در حکومت دوگرا به سبب سرکوب و کوچ اجباری، تنوع مناطق شیعه‌نشین بیشتر شد. در زمان حکومت مغول، افغان و سیک، مناطقی همچون احمدپورا، زدیبل، نمچیل، پاندریتهن، حسن‌آباد و مدین صاحب به مناطق برجسته شیعه‌نشین در کشمیر تبدیل شدند. در دوره دوگرا نوادگان سید حیدر قلندر (خانندان موسوی) در پاتلی پورا و چهتابل سرینگر ساکن شدند. آنها یک قرآن منسوب به امام موسی کاظم ۷ را به همراه داشتند. از شخصیت‌های برجسته این خانواده در چهتابل می‌توان به آقا سید سلیمان موسوی، مولانا مولوی سید سعید موسوی و آقا سید حکیم عبدالله موسوی اشاره کرد. با توجه به تلاش این دانشمندان فرهیخته، پاتلی پورا به یکی از مراکز مهم شیعه در سرینگر تبدیل شد. اعضای این خانواده در گورستان اجدادی خود در پاتلی پورا دفن می‌شدند. این منطقه حتی امروزه نیز از مراکز مهم شیعه کشمیر به شمار می‌رود و بیشتر با انجمن اتحاد المسلمین به سرپرستی مولانا محمد عباس انصاری در ارتباط است. این منطقه اخیراً سجادآباد نامیده می‌شود و نوحه‌خوانان و مرثیه‌سرایان سرشناسی دارد. همچنین پیاده‌روی اربعین نیز در آنجا با شور و نشاط خاصی برگزار می‌شود (Hakim, 2/25 همچنین نک. متو، ۳۴۷).

اوری^۱ از شهرهای مهم منطقه بارامولا^۲ در کشمیر است. در دوره دوگرا، برخی از خانواده‌های کاظمی و نقوی از پنجاب به کشمیر آمدند و در اوری ساکن شدند. پایگاه اصلی آنها کمال کوت^۳، محل پیر سخی رنگی امام پادشاه^۴ بود که مورد احترام این سادات بود. با گذشت زمان، آنها در مناطقی دیگر مانند قاضی پورا^۵، نورکها^۶، گنگل^۷، دهنی سیدان^۸، پرنپلا^۹، چولان خالصان^{۱۰}، شاهداره^{۱۱}، سری بانندی^{۱۲}، کنچن^{۱۳}، ادوسا^{۱۴}،

1. Uri.
2. Baramulla.
3. Kamal Kote.
4. Pir Sakhi Rangi Imam Badshah.
5. Qazi Por.
6. Norkha.
7. Gingal.
8. Dhanni-Saidan.

اشم^۱، جبلاه^۲، بجھاما^۳، لچھی پورا^۴، فلی پورا^۵ و سلام آباد نیز ساکن شدند. چهره‌های برجسته آنها سینی جوت علی، سینی شربت حسین، سینی غلام حسین و دیگران بودند. در ابتدا، آنها تقیه می‌کردند اما بعداً آشکارا ایمان خود را نشان دادند. تا سال ۱۹۷۰ آنها مراسم محرم الحرام را به‌طور پنهانی در خانه‌های خود انجام می‌دادند، اما پس از آن، به‌صورت علنی عزاداری را برپا کردند. مساجد و امام‌باره‌هایی نیز توسط آنها ساخته شده و امروز حدود ۴۰ مسجد در این منطقه وجود دارد. در کمال کوت یک امام‌باره بزرگ و چند امام‌باره کوچک‌تر در قاضی پورا، نورکها و گنگل وجود دارد (Hakim, 2/33).

در کرناه^۶، شیعیان عمدتاً در دهکده کوچکی در حدود ۱۰ کیلومتری دفتر مرکزی ناحیه به نام روستای گندی سیدان^۷ ساکن بودند. اعتقاد بر این است که سادات از مشهد ایران حدود ۱۰۰ سال پیش و در دوره حکومت دوگرا به این منطقه آمدند. آنها ابتدا در سید کسران^۸ (واقع در پاکستان امروزی) ساکن شدند و از آنجا به اوری^۹ کشمیر مهاجرت کردند. برخی از آنها از اوری به کرناه آمدند و برای همیشه در آنجا مستقر شدند. گفته می‌شود که همه آنها شیعه بودند اما با گذشت زمان برخی از آنان هویت خود را از دست دادند. امروزه فقط ۱۶ خانواده از گندی سیدان آشکارا اعتقاد به مذهب

-
9. Paranpeela.
 10. Choolan-Khalsan.
 11. Shahdara.
 12. Siri Bandhi.
 13. Kanchan.
 14. Adosa.
 1. Isham.
 2. Jabla.
 3. Bijhama.
 4. Lachhipora.
 5. Phalipora.
 6. Karnah.
 7. Gundi Sayidan.
 8. Syed Kasran.
 9. Uri.

شیعه دارند. سایر شیعیان از پینگلا هریدل^۱، پنج تران^۲، کندی^۳ و چم کوت^۴ هستند. شیعیان گندی سیدان اکثراً سادات کاظمی بوده و در روستای خود امام‌باره ساخته‌اند و در آنجا مراسم محرم را برگزار می‌کنند (Hakim, 2/32).

تأثیر سیاست‌های سلسله دوگرا در تحولات اجتماعی شیعیان

آثار تاریخی مربوط به دوره دوگرا در کشمیر تعامل بین طبقات (کاست‌ها) را به خوبی نشان می‌دهد. برخی از کاست‌ها بر اساس وضع اجتماعی و اقتصادی خود برتر از دیگران بودند. برخی از کاست‌ها نیز توسط شغل خود تعریف می‌شدند. از آنجا که بیشتر مسلمانان جمو و کشمیر از ادیان هندو و بودایی به اسلام گرویده‌اند، بیشتر آنها همان نام خانوادگی قبلی خود را داشتند که دلالت بر وابستگی به کاست (طبقه) آنها داشت. نویسنده بهاتاچاریا می‌گوید، از نظر عقیدتی هیچ سیستم کاستی در بین مسلمانان وجود نداشت، اما آنها اسامی کاست‌ها را پذیرفتند، زیرا قبلاً از کاست‌های مختلف هندو بودند (Bhattacharya, 45). سیستم کاست در بین هندوها بسیار سخت‌گیرانه بود، در حالی که در بین مسلمانان از انعطاف برخوردار بود. به همین دلیل گفته می‌شود در کشمیر، کاست‌ها فقط با نام خانوادگی تعریف می‌شدند و به ایدئولوژی و طرز تفکر مرتبط نبودند. لذا در بین مسلمانان کشمیری، اسامی مربوط به کاست‌های متفاوت هندو زیاد دیده می‌شود مانند راتهر^۵، متو^۶، دار^۷، بت^۸ و غیره که همه این‌ها در اصل از کاست‌های هندوی کشمیری (پاندیت‌ها) هستند. این موضوع هم برای اهل سنت و هم برای شیعیان صدق می‌کند و افرادی که دارای این نام‌های کاستی هستند در هر دو فرقه یافت می‌شوند (Drew, 319).



1. Pingla Haridal.
2. Panj Taran.
3. Kandi.
4. Chamkote.
5. Rathore.
6. Mattoo.
7. Dar.
8. Bhat.

در طبقات کشمیر، یک عرف کلی برای ازدواج وجود داشت (Drew, 312). طبقات غالب مانند سیدها و پیرزاده‌ها و غیره در خارج از طبقه خود ازدواج نمی‌کردند. با این حال، افزایش استانداردهای اقتصادی اغلب منجر به تغییراتی در طبقات شد. کاست پایین‌تر با درآمد خوب، از فرصت‌های اجتماعی و موقعیت‌های ازدواج بهتر برخوردار می‌شد. بهبود در وضع اقتصادی، برچسب کاست پایین را از نام آنها حذف نمی‌کرد. یک «گور»^۱ حتی اگر به عنوان یک مقام ارشد در یک بخش دولتی استخدام می‌شد، همچنان یک گور باقی می‌ماند. یک «خار»^۲ حتی اگر به یک تاجر بزرگ تبدیل می‌شد، یک خار باقی می‌ماند. این نام‌های کاستی در بین شیعیان رایج بود (Lawrence, 285). به گفته مدن، مسلمانان کاست برتر با کاست‌های پایین با احترام رفتار نمی‌کردند. آنها از مجامع عمومی خارج می‌شدند. همه این‌ها منجر به تفاوت این جوامع می‌شد. هم‌اکنون نیز آنها در مناطق مسکونی جداگانه‌ای در بخش‌های مختلف کشمیر زندگی می‌کنند. آنها در مکان‌هایی مانند شیخ‌پورا^۳، دمب‌محلّه^۴، هانج‌محلّه^۵، تل‌محلّه^۶، دانگر‌محلّه^۷، هفت‌محلّه^۸ و غیره یافت می‌شوند. بسیاری از این مناطق در سراسر کشمیر در دست شیعیان است (Lawrence, 285). البته در این دوره در جمو، شیعیان به‌طور گسترده‌ای به کاظمی، جعفری، رضوی، علوی و شاه تقسیم می‌شدند. برخی از کاست‌ها مانند سید، کاظمی، شیخ، جعفری و حمدانی خود را بالاتر از مسلمانان راجپوت می‌دانستند (Badawi & Hassnain, 36). در کرگل، که اکثریت با شیعیان بود، هیچ تفاوت کاستی توسط مورخان گزارش نشده است. شیعیان کشمیر در دوره دوگرا، روابط فامیلی نزدیکی داشتند. آنها با هم زندگی می‌کردند و خانواده‌های مشترک داشتند. در آن دوره زبان و ادبیات کشمیر نیز دچار

1. Gur.
2. Khar.
3. Sheikhpura.
4. Damb Mohalla.
5. Hanj Mohalla.
6. Tel Mohalla.
7. Dangar Mohalla.
8. Haft Mohalla.

تحولاتی شد. مردم کشمیر به زبان کشمیری، فارسی، دوگری^۱، گوجری^۲، تبتی^۳، شینا^۴، بلتی^۵، اردو و پنجابی صحبت می‌کردند (Saraf, 112). شیعیان کشمیر به زبان کشمیری و فارسی و اردو صحبت می‌کردند و می‌نوشتند. شیعیان در لداخ به زبان بلتی صحبت می‌کردند، که متعلق به خانواده زبان‌های تبتی-چینی است. کشمیری‌ها برای نوشتن از رسم‌الخط اردو فارسی استفاده می‌کردند (Vigne, 151). یک سیاح بریتانیایی، به نام گودفری توماس وین^۶، در بازدید از کشمیر در سال ۱۸۳۶، نوشته زبان کشمیری از فارسی (۴۰٪)، سانسکریت (۲۵٪)، اردو (۱۵٪) و عربی (۱۰٪) تشکیل شده است. در دره کشمیر، بر اساس سرشماری سال ۱۹۶۱، ۵۳.۳ درصد مردم به زبان کشمیری صحبت می‌کردند. امروزه در کشمیر تحت تسلط پاکستان زبان اصلی شهرهایی مانند مظفرآباد، میرپور و پونچه زبان پنجابی است (Saraf, 116).

۳- تأثیر متقابل حاکمیت دوگرا و خاندان‌های شیعی

در دوره حکومت دوگرا در کشمیر، بسیاری از خانواده‌های برجسته شیعه به شکل فعال درگیر موضوعات اجتماعی و سیاسی بودند. در حالی که برخی نزدیک به حکومت دوگرا قلمداد می‌شدند و از مزایایی از جانب حکومت برخوردار بودند، برخی دیگر از مخالفان سرسخت آن بودند. در ادامه به‌طور مختصر به برخی خانواده‌های برجسته شیعی در آن دوره اشاره می‌شود:

۱. قزلباش^۷

قزلباش‌ها در نام خود از لفظ «آغا» استفاده می‌کردند. در اواخر دهه ۱۸۳۰، پس از اولین جنگ بریتانیا و افغانستان، آقا رحیم قزلباش از قندهار به کشمیر مهاجرت کرد.

1. Dogri.
2. Gojri.
3. Tibetan.
4. Shina.
5. Balti.
6. Godfrey Thomas Wein.
7. Qizilbash.



اجداد وی از فرماندهان نیروهای سلطنتی نادرشاه و قبل از آن از فرماندهان ارتش صفویه بودند. این خاندان در قرن سیزدهم و چهاردهم در آناتولی ساکن بودند (سومر، ۵۶). خاندان قزلباش کشمیر به سلسله دوگرا نزدیک بودند و بسیاری از اعضای این خانواده موقعیت‌های مهمی در حکومت داشتند؛ از همین رو در نظر مردم از احترام زیادی برخوردار نبودند. برخی از افراد برجسته این خانواده که از نظر سیاسی فعال بودند عبارتند از آقا محمدصادق قزلباش، که در خزانه‌داری دولت کار می‌کرد و بعد با مسلم لیگ ارتباط نزدیکی داشت. آقا شوکت علی از دیگر اعضای این خانواده بود که از خدمات حکومت استعفا داد و عضو مسلم لیگ شد. خان بهادر آقا سید حسین تاکور از چهره‌های برجسته سیاسی این خانواده بود که وزیر و عضو افتخاری پرجا سبابا (هیئت سنا حکومت دوگرا) در زمان هری سینگ بود و با محمدعلی جناح رهبر استقلال پاکستان ارتباط داشت. افراد برجسته قزلباش نظیر نواب آقا ناصر علی‌خان از لاهور و نواب آقا نوازش علی، رئیس تیره قزلباش، کوشیدند برای شیعیان زدبیل که در خشونت‌های فرقه‌ای سال ۱۸۷۲ متحمل خسارات سنگینی شده بودند، کمک‌های مالی ارسال کنند (Lamb, 27). آقا محمدباقر قزلباش، پزشک ارشد و وزیر بهداشت حکومت دوگرا (رنبیر سینگ)، در این مسئله نقش اساسی داشت. قزلباشان سعی می‌کردند نمایندگی مسلمانان شیعه را در خدمات‌رسانی دولت بر عهده بگیرند. بر همین اساس، در سال ۱۹۴۳، هنگامی که هری سینگ از تشکیل کمیسیونی برای بررسی کارکرد قانون اساسی و شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم خبر داد، آقا شیرعلی یکی از اعضا و نماینده جامعه شیعه شد. از نحوه تعاملات خانواده قزلباش این‌طور برداشت می‌شود که آنان استیفای حقوق مسلمانان هند را در تأسیس کشور خاص مسلمانان شبه‌قاره قبول داشتند.

۲. جلالی

یکی دیگر از خانواده‌های برجسته اجتماعی - سیاسی شیعه در این دوره، خانواده جلالی از زدییل سرینگر بودند که یکی از دژهای شیعیان کشمیر محسوب می‌شدند. این خانواده برای رفاه جامعه شیعیان در کشمیر بسیار تلاش کردند و برای آزاد شدن کشمیر از سلطه حکومت دوگرا فعالیت‌های مهمی انجام دادند. آقا سید صفدر شاه جلالی شخصیت برجسته کشمیر از این خانواده بود. او در بین مردم طرفداران بسیار خوبی داشت و گروهی را به نام «حزب صفدر شاه» رهبری می‌کرد. این حزب ده‌ها سال از اهداف مسلمانان شیعه کشمیر حمایت کرد (Hakim, 2/24). شخصیت دیگر این خاندان آقا سید حسین شاه جلالی بود که مشهورترین سیاستمدار شیعه دوره خودش محسوب می‌شد. قبل از بازگشت شیخ محمد عبدالله از دانشگاه مسلم علیگر و پیوستن به سیاست در کشمیر، جلالی در خط مقدم نهضت سیاسی کشمیر بود. وی همچنین اولین مؤسسه آموزشی مدرن را تأسیس کرد که به دست یک شیعه تشکیل شده بود. این مؤسسه به دبیرستان امامیه معروف شد (Hakim, 2/25). او همچنین «خانه جلالی» را در زدییل تأسیس کرد که الگویی از معماری کلاسیک ایرانی است. و بسیاری از فرمانداران بریتانیا در زمان حکومت دوگرا از این خانه تاریخی بازدید کرده‌اند (ibid, 1/158). همچنین پسر سید حسین شاه جلالی، سید محمد جلالی، اولین مسلمانی بود که به‌عنوان نماینده مسلمانان در مجلس عالی پارلمان هند معرفی شد. پس از مرگ وی، تأثیر خانواده جلالی در سیاست کشمیر کاهش یافت؛ البته میراث‌دار خانواده، سید حسین شاه جلالی تا سال ۱۹۲۳ زنده بود (Haider, 89).

۳. انصاری

این خانواده معروف به «فرقه قدیم»، در امور اجتماعی، سیاسی و مذهبی فعال بوده و هزاران پیرو در سراسر کشمیر داشت. بنیان‌گذار این سلسله ملاعالم انصاری بود که به همراه سید حسین رضوی قمی در زمان سلطنت زین‌العابدین پادشاه به کشمیر رسید و در سوپور ساکن شد (حسینی، ۷۴). از زمان ملاعالم انصاری، این خانواده در امور اجتماعی و مذهبی کشمیر فعال بودند. با این حال، در دوره حکومت دوگرا، درگیر

سیاست شدند. در دوره حکومت دوگرا، نماینده معروف خانواده انصاری مولانا جواد انصاری، فرزند ملاحیدر علی انصاری بود که از روحانیون ممتاز به‌شمار می‌آمد. او ریاست انجمن شیعیان کشمیر را که برای رفع اختلافات دو گروه بین شیعیان در دوره دوگرا شکل گرفته بود، بر عهده گرفت (7, Munshi). از آن زمان، انجمن شیعه کشمیر با خانواده انصاری شناخته شد، زیرا پسر مولانا جواد انصاری، مولانا افتخار حسین انصاری، جانشین وی و در سال ۱۹۵۷ رئیس این انجمن شد (92, Haider). خاندان انصاری در دوره دوگرا به میر واعظ محمد فاروق، روحانی ارشد سنی در کشمیر، نزدیک بودند. برخلاف خاندان انصاری، خانواده جلالی به شیخ محمد عبدالله، اولین وزیر ارشد جمو و کشمیر، نزدیک بودند این معادله پس از ارتحال مولانا جواد انصاری تغییر یافت، زیرا پسرش افتخار انصاری از خانواده میر واعظ فاصله گرفت. خانواده انصاری از ادغام کشمیر با هند حمایت می‌کرد و خانواده میر واعظ طرفدار «استقلال» کشمیر بود (158, Hakim).

نتایج تبعیض دوگراها علیه مسلمانان به‌طور عام و شیعیان به‌طور خاص

در دوره حکومت دوگرا، تبعیض و تعصب شدید مذهبی بر ضد مسلمانان کشمیری شکل گرفت و مساجد، زیارتگاه‌ها و حسینیه‌های آنها توسط دولت غصب شد. فداحسین برخی از این اماکن مانند پتھر مسجد^۱، خانقاه سوخته^۲، خانقاه بلبل شاه^۳، حرم مدین صاحب^۴ و مسجد مال‌شاه^۵ را نام برده است (45, Hassnain).

حاکمان دوگرا برای تضعیف و تفرقه مسلمانان بسیار تلاش کردند. بر اثر همین سیاست‌ها، مسلمانان پنجابی با مسلمانان احمدیه مشکل داشتند. همچنین بین شیخ عبدالله و میر واعظ فاروق شکاف به‌وجود آمده بود. شیعیان و سنی‌ها نیز همراهی نداشتند (92, Yasin and Rafiqi). این سختی‌ها مسلمانان را بیدار کرد و از هویت

1. Pathar Mosque.
2. Burned Khanqah.
3. Khanqah Bulbul Shah.
4. Haram Madin Sahib.
5. Masjid Mal Shah.

متمایزشان آگاه ساخت. سیاست سرکوب‌گرانه حاکمان دوگرا منجر به درگیری بین هویت مسلمان کشمیری و حاکمان دوگرا شد. این امر باعث شد تا در ذهن مردم میل شدید به آزادی ایجاد شود و تأیید مجدد هویت مسلمان کشمیری یک ضرورت تاریخی شمرده شود (Chowdhary, 51). سرانجام مسلمانان کشمیری با حمایت دانشمندان مسلمان، روحانیت، تجار، صنعتگران و دهقانان، زیر پرچم مسلم لیگ^۱ در سال ۱۹۳۲ گرد هم آمدند. وظیفه مهم این مجمع برانگیختن آگاهی اکثریت مسلمانان کشمیری بود. سیاست‌های حزبی حاکمان دوگرا به تعصبات مذهبی نسبت داده می‌شد؛ از این رو مسلمانان کشمیری سعی کردند تا رنج‌های مسلمانان در طول تاریخ، تحت حاکمیت افراد بیگانه غیر کشمیری را بازگو کنند (ibid).

در تاریخ کشمیر دوگانگی‌ها همیشه چالش برانگیز بود ولی دین و سرزمین از مؤلفه‌های انسجام‌بخش کشمیر بود (Rai, 3). در آن دوره، نمادهای مذهبی برای بسیج جامعه مسلمانان انتخاب شدند. در اعتراض نسبت به بی‌عدالتی‌ها شعارهای مذهبی مانند «مسلمان توسط اقلیت هندو مورد ستم واقع شده‌اند»، «ناره تکبیر الله اکبر»، «اسلام در خطر است» پدیدار شد (Behera, 73). این تحرکات برای برانگیختن احساسات مذهبی مسلمانان کشمیر در نهایت منجر به ایجاد هویت مشترک اسلامی در بین سنی‌ها و شیعیان شد. این هویت در اواخر قرن نوزدهم که حکومت با آزار و اذیت آنها را وادار به ترک کشمیر کرد، برانگیخته شد (Rafiabadi, 267). با لغو ممنوعیت مهاجرت، ده‌ها هزار نفر از مردم شهرها و روستاهای کشمیر به دلیل مالیات شدید، تبعیض مذهبی، قحطی و بیماری‌های همه‌گیر ترک وطن کردند. افراد مهاجر در مناطقی مانند هزاره، راولپندی، دلهوسی^۲، شمالا^۳، سیالکوت^۴، لاهور، امرتسار^۵، لدھیانا^۶، جهلم^۷،

1. Muslim Conference.
2. Dhaluusi.
3. Shamla.
4. Sialkot.
5. Amritsar.
6. Ladhianna.
7. Jhelum.



ریاسی^۱، پونجه^۲، دهلی، پتنا^۳، مدرس، بمبئی، کلکته، لکهنو و بنگلور^۴ ساکن شدند. این مهاجرت به حدی زیاد بود که بر اساس گزارش سرشماری پنجاب در سال ۱۸۹۱، ۱۱,۷۷۵ مسلمان متولد کشمیر تنها در پنجاب ساکن بودند. بسیاری از این مهاجران شیعه امروزه در شهرهای مختلف پاکستان حضور دارند و در کشمیر زندگی می‌کنند (Hussain, 41).

-
1. Riashi.
 2. Poonch.
 3. Patna.
 4. Bangalore.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با تسلط دوگرایان هندو مذهب بر منطقه با اکثریت مسلمان، شرایطی بی‌سابقه در تاریخ پیش از استقلال هند شکل گرفت که مطالعه آن برای فهم تعاملات و تعارضات میان گروه‌های مذهبی، قومی و اجتماعی ضروری است. شیعیان کشمیر در این دوره با تبعیض‌های اجتماعی گسترده و نظام‌مند مواجه شدند. حکومت دوگراها با اتخاذ سیاست‌هایی همچون تغییرات نامتناسب جمعیتی، جابه‌جایی‌های اجباری و اعمال فشارهای اقتصادی و فرهنگی به تضعیف هویت مذهبی و اجتماعی شیعیان پرداخت. این اقدامات نه تنها موجب کاهش جمعیت شیعیان در برخی مناطق شد، بلکه تلاش‌های آنان برای حفظ سنت‌ها و آیین‌های مذهبی را نیز با چالش‌های جدی مواجه ساخت. با وجود این، شیعیان کشمیر با تکیه بر انسجام درونی و هویت مذهبی در برابر این فشارها مقاومت کردند. تشکیل انجمن‌ها و سازمان‌های مذهبی و اجتماعی، حفظ و احیای سنت‌ها و آیین‌های شیعی و تلاش برای همگرایی عملی با اهل سنت از جمله اقداماتی بود که آنان در پیش گرفتند. مشارکت شیعیان در مبارزات سیاسی علیه حکومت دوگرا و استعمار انگلیس، نشان‌دهنده نقش مؤثر آنان در تحولات تاریخی منطقه است. آنان با ایستادگی در برابر سیاست‌های تفرقه‌افکنانه به همبستگی ملی و مذهبی کمک کرده و در تضعیف حاکمیت دوگراها در آستانه استقلال هند سهم بسزایی داشتند.

منابع

- بدگامی، علی، «کشمیر چگونه و به چه قیمتی فروخته شد؟» تسنیم، ۲۵ اسفند ۱۳۹۷؛
Retrieved Jun. 15, 2025, from
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/12/25/1969724>
- حسینی کشمیری، محسن، دانشنامه شیعیان کشمیر، کراچی، مرکز احیاء آثار بر صغیر، ۲۰۱۱.
- سومر، فاروق، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی (مجموعه پژوهش‌های تاریخ)، ترجمه احسان اشراقی و محمد تقی امامی، ۱۳۷۱ ش.
- شیخ محمد عبدالله، آتش چنار، کشمیر، علی محمد اینڈ سنز، سرینگر، ۱۹۸۶.
- متو، غلام محمد، شیعیان کشمیر (از آغاز تا دوره معاصر)، قم، مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۱ ش.
- کایه‌امی، غلام حسن شاه، تاریخ کشمیر (تاریخ حسن)، ترجمه اردو از شمس‌الدین احمد، سرینگر، جمو و کشمیر کلچرل آکادمی، ۲۰۰۳.
- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، کشمیر، امام حسین ریسرچ ایند پبلشنگ سنتر سرینگر، ۱۹۸۷.
- Badawi, Abdolfatfeh and Fida Hassnain, *The Sufi Alchemy of Peace*, Srinagar, Gulshan Books, 2005.
- Bamzai, Prithivi Nath Kaul, *Culture and political history of Kashmir*, Hardcover – January, M.D. Publications. Publication date, January 1, 1994.
- Bazaz, Prem Nath, *Inside Kashmir*, Srinagar, Kashmir Publishing House, 1941.
- Behera, Navnita Chadha, *State Identity and Violence: Jammu, Kashmir and Ladakh*, New Delhi, Manohar Publishers, 2000.
- Bhattacharya, Bhabhani, *So Many Hungers*, New Delhi, Orient Paperbacks, 1978.
- Chowdhary, Rekha, *Jammu and Kashmir: Politics of Identity and Separatism*, London, Routledge India, 2015.
- Dabla, B.A., “Sociological Dimensions and Implications of the Kashmir Problem”, in *Parchment of Kashmir: History, Society, and Polity*, edited by Nyla Ali Khan, p179-210, New York, Palgrave Macmillan, 2012.
- Dar, Ghulam Mohuiddin, *Kargil, Its Social, Cultural and Economic History*, New Delhi, Dilpreet Publishing, 1999.
- Drew, Frederic, *The Jummoo and Kashmir Territories: A Geographical Account*, London, Edward Stanford, 1875.



- Haider, Mansoor, *Shi'ism in Kashmir: Inception, Impact and Influence*, Srinagar, [Self-published], 2017.
- Hakim, Imtiyaz Hussain, *The Shi'as of Jammu & Kashmir: The History of Shi'ism in Kashmir (1324-1947)*, Vol 1 & 2, Kashmir, Srinagar Publishing House, 2017.
- Hassnain, Fida Mohammad, *Freedom Struggle in Kashmir*, Delhi, Rima Publishing House, 1988.
- Hussain, H. I., *The Shi'as of Jammu & Kashmir: The history of Shi'ism in Kashmir—An analytical study of the Shi'a community in the state of Jammu & Kashmir from 1324 to 1947 A.D.*, Vol. 1, Srinagar Publishing House, 2017.
- Hussain, Altaf, *The Wounded Paradise*, Self-published, 1991.
- Kamili, M. H., *Census atlas of Jammu and Kashmir: Indian official census report (1961)*, Government of India, 1964.
- Kaul, Gwasha Lal, *Kashmir Through the Ages, 5000 BC to 1965 AD: A Historical Survey*, San Francisco: Chronicle Publishing, 1963.
- Khan, Mohammad Ishaq, *History of Srinagar (1846-1947): A Study in Socio-Cultural Change*, Kihan Manuscript Publishing Sharada, 1990.
- Khan, Mohammad Saleem, *The History of Jammu & Kashmir, 1885-1925*, Gulshan Publishers, 2002.
- Knight, E.F., *Where Three Empires Meet: A Narrative of Recent Travels in Kashmir, Western Tibet, Gilgit, and Adjacent Countries*, Scanned copy in the Rare Books section of the Indian Culture Portal, 1896.
- Korbel, Josef, *Danger in Kashmir*, London, Princeton University Press, 1954.
- Lamb, Alastair, *Kashmir: A Disputed Legacy 1990-1846*, Hertingfordbury (Hertfordshire), Roxford Books, 1991.
- _____, *Birth of a Tragedy: Kashmir*, London, Roxford Books, 1994.
- Lawrence, Walter, *The Valley of Kashmir*, London, Oxford University Press, 1895.
- Lord, Birdwood, *Two Nations and Kashmir*, London, Collection: digitallibraryindia; JaiGyan, 1936.
- Markovits, Claude, *A History of Modern India 1480-1950*, Cambridge, Cambridge University Press, 2002.
- Munshi, Ghulam Hassan, *The Events That Shaped the History of Kashmir*, Greater Kashmir, 2006.

- Noorani, A.G., *Horrors of Partition*, Frontline, 2012.
- Rafiabadi, Hamid Naseem (Ed.), *Challenge to Religions and Islam: A Study of Muslim Movements*, New Delhi, Sarup & Sons, 2007.
- Rai, Mridu, *Hindu Rulers, Muslim Subjects: Islam, Rights and the History of Kashmir*, New Delhi, Permanent Black, 2004.
- Ram, Diwan Kripa, *Gulabnama: A History of Maharaja Gulab Singh of Jammu and Kashmir Hardcover*, From Persian By Sukhdev Singh Charak And Anita Charak Billawaria Gulshan Books, Srinagar, 2012.
- Roy, Manabendra Nath, *Radical Humanist*, Calcutta, Maniben Kara, 2004.
- Saraf, Mohammad Yusuf, *Kashmiris Fight for Freedom*, Lahore, Ferozsons Limited, 1977.
- Scofield, Victoria, *Kashmir in Conflict*, London, Bloomsbury Publishing, 2021.
- Smith, David, *First Anglo-Sikh War 1845-46 The Humbling of the Khalsa*, Kindle Edition, 2019.
- Snedden, Christopher, *Kashmir: The Unwritten History*, New Delhi, Harper Collins India, 2013.
- Sufi, G. M. D, *Kashir: Being a History of Kashmir from the Earliest Times to Our Own*, University of the Punjab, Lahore, Pakistan, 1948.
- Thorpe, Robert, *Kashmir Misgovernment*, London, 1868.
- Vigne, Godfrey Thomas, *Travels in Kashmir, Ladakh, Iskardo*, London, Henry Colburn, 1842.
- Yasin, Mohammad and Abdul Qayum Rafiqi, *History of the Freedom Struggle in J&K*, New Delhi, Light and Life Publishers, 1980.